

HOMAN
C/O RFSL
BOX 45090
10430 stockholm, SWEDEN

هومان

سال اول، شماره ۲، تیر ماه ۱۳۷۰

که هستیم و چه می‌خواهیم

تجمع عده‌ای از همجنسگرایان ایرانی در استکهلم و تشکیل گروه هومان، اولین حرکت هدفمند ایرانیانی است که احساسات و گرایشاتی بنحویز از گرایش‌های "معمول" و حاکم بر جامعه را دارا هستند. نفس حرکت مثبت و قابل تقدیر است اما به هیچ وجه کافی نیست. ما راهی طولانی، باریک و پرسنگلاخ را باید در شبی ظلمانی طی کنیم، به این خاطر باید هوشیار باشیم، دست‌ان یکنفر را محکم بفشاریم و سنجیده قدم برداریم. همه اینها زمانی میسر میشود که بدانیم که هستیم، چه می‌خواهیم و هدف ما چیست و آیا قطب‌نمایی در دست داریم یا نه؟

من قصد ندارم در فوائد تشکل و کارگروهی روضه‌خوانی کنم و یا با بازی با کلمات سعی در سحرکردن دیگران داشته باشم و آنها را به "فعالیت" وادارم. نه، من براین اعتقادم که هرکس خود باید تصمیم بگیرد و عمل کند و جوابگوی تصمیم و عملکرد او هم کسی جز خود شخص نیست. انسان امروزی باید خوب و بد خود را بداند، علائق و نیازمندیهای خود را بشناسد و..... انسان امروزی از نسخه‌های از پیش آماده و زنگزده در عذاب است، او در پی طرح دیگری است.

تجمع ما دور هم و تشکیل گروه هومان در واقع ترجمه عملی همین افکار است. اما به نظر میرسد که ما یک موضوع مهم و عمده را فراموش کرده‌ایم و آن همانا مسئولیت است. کسی که آزادی می‌خواهد، باید بتواند مسئولیت بپذیرد. ما آزادی می‌خواهیم تا در مورد شیوه زندگی خودمان تصمیم بگیریم و عمل کنیم. به دیگر سخن ما برای دفاع از هویت و امنیت خود متشکل شده‌ایم اما به نظر میرسد که کمتر کسانی هستند که مایلند برای پذیرش مسئولیت در پیشبرد اهداف گروه هومان قدم جلو بگذارند. چرا؟

برای اینکه هومان بتواند خوب حرکت کند، بناچار باید محیط

از جمله مطالب این شماره :

— فلسفه ویتگنشتاین

— سهراب و فروغ از دید اخوان

— وقایع اتفاقیه

— آگهی آشنایی

— "آرگو" گروه همجنسگرایان مسکو



Persisk-talande?
Homo- eller bisexual?
Kvinna, man?
HOMAN
är till för dig!
c/o RFSL, Stockholm, Box 45090,
104 30 Stockholm
Ekonomiska bidrag: Konto 305791842
(Handelsbanken)

برای اینکه هومان بتواند خوب حرکت کند، بناچار باید محیط اطراف خود را خوب بشناسد، باید هوشیار باشد. واقعیت این است که جامعه ایرانی ما را برسمیت نخواهد شناخت مگر آنکه خود را به آن تحمیل کنیم، البته به شیوه‌ای منطقی.

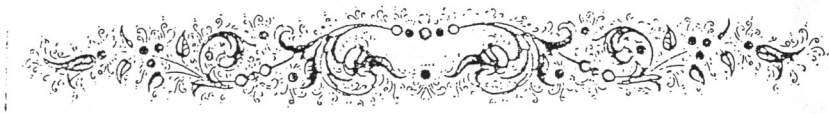
جامعه ایرانی خارج از کشور، از گروهها و دستجات مختلفی تشکیل شده است و ساده‌ترین کار برای تاثیرگذاری بر این جامعه، همانا وادار کردن همین تشکله‌ها به اعتراف به وجود ماست که ما حی و حاضر در بین آنها هستیم و زندگی میکنیم. این کار ساده‌تر از تلاش برای تاثیرگذاری بر تک‌تک هموطنان بطور جداگانه است. اولین دلیل این است که در این تشکله‌ها راحت‌تر میتوان با عده وسیعی در یک جا تماس برقرار کرد. یعنی در جمع خودشان. اما کی و چگونه میتوان به این هدف نائل شد؟ مسلماً از طریق شناخت آنها، شناخت مواضع، روحيات و خلیقات آنها.

راه رسیدن به این مهم، دسترسی به مطبوعات این گروههاست، پیگیری مواضع آنها، تقویت گرایشات انساندوستانه در آنها و.....

به اعتقاد من برای رسیدن به این هدف باید دست به برنامه‌ریزی و تقسیم درست کارها زد.

این پیشنهادها در واقع پاسخی است به نیاز گروه هومان به شناخت محیط اطراف و از آن طریق تاثیرگذاری بر آن. مسلماً نظرات و پیشنهادات دیگری هم هست. امیدوارم که دوستان خواننده با این پیشنهاد برخورد کرده، نظرات پیشنهادی و یا اصلاحی خود را در اختیار نشریه هومان قرار دهند، تا از طریق برخورد اندیشه‌ها در نشریه به حرکت گروه هومان یاری رسانده باشیم.

نادر



فلسفه لودویک ویتگن اشتین بیان افکار سختگیر فیلسوف در مورد زندگی خود اوست

ویتگن اشتین چگونگی راهیابی خود به مسیر فلسفه را اینگونه برای خواهر خود هلن توضیح داده است: او در چارچوب در بازی ایستاده و این سؤال را از خود مطرح میکند " چرا انسان باید حقیقت را بگوید وقتی که دروغ بنفع اوست؟ "

تاریخدان انگلیسی " رای مونک " کتاب خود *Wittgenstein The Duty of Genius* را اینگونه شروع میکند و از همان ابتدا بر نقش تعیین کننده ای که مسائل اخلاقی در زندگی این فیلسوف اتریشی داشته اند، تاکید میکند. نوشته ها در باره ویتگن اشتین، امروز چهل سال پس از مرگ او بیشتر، کاملتر و وسیعتر از هر زمانی میباشند. اغلب نویسندگان بر ترقی و پیشرفت او بعنوان یک متفکر مکث کرده اند و در مورد زندگی خصوصی او کمتر مطلبی نوشته اند. شاید این نویسندگان مثلا نوشته باشند که او بعنوان معلم مدرسه در روستایی نزدیک وین دانش آموزان خود را تنبیه میکرد و در بعضی جاها بصورت جسته گریخته ای در مورد تمایلات همجنسگرایی او صحبت شده است. خانم الیزابت، همکار فیلسوف زمانی گفته است که اگر میشد با فشار دکمه ای، علاقه مردم به زندگی خصوصی ویتگن اشتین را از بین برد، او در فشار دادن بر این دکمه لحظه ای تعلل نخواهد کرد. به نظر میرسد که در زندگی خصوصی فیلسوف مسائل و موضوعاتی وجود داشته که باید تا نهایت مخفی باقی بمانند. و باید تمام توجه ها را متوجه فلسفه او کرد. اما اگر زندگی و اثر (فلسفه) بهم وابسته باشند و هر کدام از دیگری تغذیه شود، آنوقت چی؟

و " رای مونک " موضوع را دقیقا از همین زاویه می بیند. او به بسیاری از نامه ها، یادداشت های چاپ نشده و همینطور یادداشت های روزانه فیلسوف دسترسی یافته و حتی با بسیاری از افرادی که ویتگن اشتین را میشناخته اند، مصاحبه بعمل آورده است. نتیجه ای که از اینهمه بدست می آید این است که فلسفه فیلسوف لودویک ویتگن اشتین بیان در خور و شایسته ای است از دید سختگیرانه او در مورد زندگی شخصی است. او در پی کنترل کامل زندگی روزانه خود بود. و از آنجا که او زبان را بعنوان وسیله ای برای درک و رسیدن به ضمیر آگاه خویشتن میدانست، در پی کنترل کامل زبان بود. لذا فلسفه ویتگن اشتین از فلسفه زندگی به فلسفه زبان تکامل یافت تا حدودی بعنوان یک وسیله دفاع شخصی. او مشکل اخلاقی مذهبی خود را به عرصه ناملموسی منتقل کرد. سؤال زندگی یعنی چه، به زبان یعنی چه تبدیل شد. او میگفت: فلسفه نه برای بنانهادن یک ساختمان، بلکه هدف جارو زدن اتاق است. او میخواست اتاق افکار خود را از ناروشنائیها جارو زند، بهمان صورتی که او سعی در جارو زدن تردیدهای خود در رفتار و کردار شخصی را داشت. منطقی و اخلاق در یک مسیر ره می پیمایند.

وقتی که او در سال ۱۹۳۱ شروع به فاصله گرفتن از برداشت خود از زبان بعنوان تصویرگر واقعیت کرد تا در عوض

از " بازی زبان " و یا " زبان بازی " بعنوان خالق واقعیت صحبت کند، چنین مینویسد: من در باره کارم در فلسفه اندیشیدم و آرام و آهسته با خودم گفتم، ویران میکنم، ویران میکنم .
 او این نیروی ویران کننده را بر علیه شخص خود هم نشانه می‌رود .

وقتی که " رای مونک " به این تمایل تقریباً ماز و خیستی ویتگن اشتین میرسد، آنرا مفصل شرح میدهد . مثلاً ویتگن اشتین سنگسفرای خود را بدون بیهوشی کامل و یا حتی بی‌حسی موضعی عمل میکند . او که در جنگ جهانی اول سرباز بود بی‌پروا و آگاهانه میخوست به نقاط بیشتر بمباران شده فرستاده شود .

ویتگن اشتین از میلیونر بودن خود خجالت میکشید و همه دارائی خود را به دیگران بخشید . به خواهرانش که از وضعیت اقتصادی خوبی برخوردار بودند، اما چرا به ثروتمندان و نه به مستمندان ؟ نظریه‌ای میگوید که فیلسوف بی‌پولی را امتیاز میدانست و چرا او باید ننگ و عار را نصیب کسانی کند که در تهیدستی خود خوشبخت بودند .
 عده‌ای گفته‌اند که بی‌بند و باری جنسی ویتگن اشتین حد و مرزی نداشته، و او اغلب در خیابانهای خلوتی که محل ملاقات همجنسگرایان بوده، دیده میشده است . البته " رای مونک " به این گفته‌ها با شك و تردید مینگرد . یکی از دوستان ویتگن اشتین میگوید که حتی اگر بی‌بند و باری جنسی فیلسوف صحیح هم باشد، باید آنها را پنهان نگه داشت .

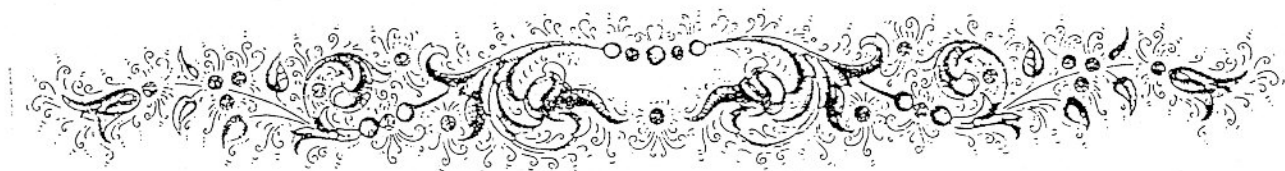
بر قدرت و تاثیر کلمه بر اندیشه ویتگن اشتین بشکل جالبی در این کتاب پرداخته شده است . او به همراه یک تیم پزشکی به بررسی تاثیرات شوک که از مشاهده بدنهای زخمی به افراد دست میدهد، پرداخت . نفوذ او در گزارش نتیجه‌گیری این تحقیقات کاملاً مشهود است . در این گزارش گفته میشود که استفاده از کلمه " شوک " در پزشکی کاملاً بی‌ارزش است و " مانعی است برای تشخیص بیماری و باعث سوتفاهم میگردد . " این موضوع باعث شد که در انگلستان در خلال جنگ از کاربرد کلمه " شوک " در پزشکی خودداری شود .

" رای مونک " اشاره میکند که ویتگن اشتین از این امر بسیار خوشحال شد که نتایج عملی ارتباط بین وجه سنگین فلسفه زبانی و معاینات کلینیکی را ببیند .

بر گرفته از روزنامه داگنز نی هتر (اخبار روز) سوئد .

مناسفانه ویتگنشتاین آنطور که باید و شاید در کشور ما ایران معروف نیست . و این شاید دلیلی باشد بر ضعف مترجمان ایرانی . تا آنجا که من اطلاع دارم تنها یک کتاب بنام " ویتگنشتاین " که یوستوس هارت ناک آنرا نوشته، توسط آقای منوچهر بزرگمهر به فارسی ترجمه شده است .

نادر



سهراب و فروغ از دید اخوان

در مجله دنیای سخن شماره ۴۰ مطلبی است تحت عنوان فوق، که طبق نوشته مجله "به عنوان پیشگفتار" صدای پای آب " سپهری که به سه زبان در اتریش منتشر گردیده، آمده است. در اینجا ما قسمتی از آن نوشته را برای خوانندگان خود بچاپ میرسانیم.

شعرهای سهراب سپهری را که همسن و سال بودیم من در جوانی در بعضی مطبوعات و در چند کتابش از تجربه‌های نخستینش در شعر نوقلا دیده بودم، به نظرم تجربه‌های موفقی در شعر نبود و سهراب هنوز داشت می‌آزمود. اخیراً "هشت کتاب" او هم یکجا درآمد. از همان کتابهای نخستین و کتابهای اخیرش که دیدم این اواخر خوشبختانه به سادگی و صفا و صلح برگشته ولی باز میخواهد "چیزی دیگر" باشد، اما بشدت زیر تاثیر فروغ فرخزاد است، همانطور نرم و نازکانه، و میخواهد لطیف و غیرعادی هم بوده باشد. شعرهای اخیر سهراب سپهری شدیداً زیر تاثیر شعرهای اخیر فروغ فرخزاد است یعنی دو کتاب و چند کار اخیرش از دو کتاب و چند کار اخیر فروغ سخت متاثر است.

"بوی هجرت می‌آید" در ندای آغاز به خوبی یادآور "پرنده رفتنی است" که فروغ گفته و این يك مثال است و اشارت اگر حالی را داشته باشی دهها مثال و بشارت میتوانی پیدا کنی. اصلاً در این کارهای اخیر سهراب چه از لحاظ بیان (نگوئیم زنانه و خانمی) بگوئیم نازکانه بودن و ظرافت و لطافت که هنجار بعضی از انواع و اغراض شعر است، چه و گاه طرز نگاه، حضور فروغ را به وضوح میتوان احساس کرد. من از تقلید حرف نمی‌زنم، بلکه از تقریباً نزدیکی روح و بیان شعر سخن میگویم، ۰۰۰۰۰۰۰۰ يك کمی به جلوتر برگردیم میخواهم بگویم شباهت و زیر تاثیر بودن سهراب، یعنی زیر تاثیر فروغ بودن سهراب، در شعرهای اخیرش در عین حال يك دو تفاوت قدری بزرگ با فروغ دارد البته، این را نباید از یاد برد. این دو تفاوت به فروغ فرخزاد امتیاز والا و درخشانی. سهل و ممتنع نیز. میدهد که سهراب در کسب آن فقط آنرا میخواهد که لطیف و ظریف و "نازکانه" باشد. قصدم به هیچ وجه و مطلقاً مساله زن و مرد بودن نیست، فروغ چنانکه باری گفته شده است "مردی و از صد مرد هم بیشی، تو زنی، مردانه‌ای، سالاری. ۰۰۰" بلکه قصدم مساله زن و مرد بودن این دو نیست، این طور هم میشود گفت مثل خیلی چیزها که خیلی جورها میشود گفت که سهراب، مطلقاً نمی‌کوشد که نشان دهد که مرد است، اصلاً گویا لزومی هم ندارد، ریش و پشمی و شمایی ظاهراً کافی است، نقاشی که این تفاوت را بخوبی نشان میدهد، عکس نیز، باری، بطوری سهراب در این معنی موفق بوده است و چه توفیق نادر و غیرعادی و شگفتی که تحسین برانگیز است، بقدری سهراب در امر بیتفاوتی نسبت به امر طبیعی و ابلهانه مرد و زن بودن یا نبودن داشته که برآستی حیرت‌آور است و من شنیده‌ام که از قدیم‌الایام مرد مرد بوده و زن زن، بهرحال قصدم مساله زن و مرد بودن در قیاس فروغ ا سهراب، مطلقاً نیست، اما در مقایسه و قیاس این دو زن و مرد با هم میخواهم این را نیز بگویم که با اینهمه بین شعر فروغ با شعر سهراب سپهری، يك دو تفاوت نیمچه بزرگ وجود دارد که به فروغ (که خود در آثار اخیرش ساخته و پرداخته ابراهیم گلستان بود و پرورده او و برآورده از، من با همه حواس پرتی این طور مسائل، نمی‌دانم چرا از یادم میرود) گفتم يك دو تفاوت نیمچه بزرگ نسبت به کائنات کون و فضا و خدا و غیره بین شعر سهراب و فروغ وجود دارد که به فروغ امتیاز والا و درخشانی میدهد، که سهراب این امتیاز را مطلقاً ندارد.

وقایع اتفاقیه

سبالاخره یکی از اعضا گرزوه هومان که تقاضای پناهندگی او قبلا توسط اداره مهاجرت سوئد رد شده بود، موفق به گرفتن پناهندگی در سوئد گردید. بعد از دریافت جواب رد اداره مهاجرت، گروه هومان و گروه اراف اس ال (گروه مبارزه برای برابری جنسی در سوئد) با ارسال نامه‌های اعتراضی به اداره مهاجرت و تشریح مخاطراتی که در ایران متوجه همجنسگرایان ایرانی است، موفق شدند اداره مذکور را به تغییر تصمیم خود وادارند.

— مجله پیوند که به کوشش جمعی از ایرانیان مقیم هلند منتشر میشود، در شماره ۷ و ۸ تیر ماه ۱۳۷۰ خود اقدام به

C I P S

درج اطلاعیه تشکیل گروه هومان کرده است. آدرس این مجله

Postbus 3002

2601 D A Delft-- Holland

و قیمت آن ۵ فلورن هلندی می‌باشد.

— در ماه فوریه ۱۹۹۰ اولین گروه متعلق به زنان همجنسگرا در تایوان تشکیل گردید. قبل از این محل ملاقات این زنان، تنها قهوه‌خانه‌ای معمولی بوده که در آن با هم ملاقات میکردند. این گروه جدید قصد ایجاد یک خط تلفن، و تلاش برای ایجاد تغییراتی در قوانین تایوان در مورد همجنسگرایی را دارد.

— پارلمان لتونی در اتحاد شوروی تصمیم به لغو پاراگراف مربوط به همجنسگرایی در قوانین جزائی کشور گرفت. با این تصمیم، لتونی اولین جمهوری در اتحاد شوروی است که قانون منع همجنسگرایی را لغو میکند. هنوز معلوم نیست که مسکو با این تصمیم پارلمان لتونی چگونه برخوردی خواهد کرد.

— کنفرانس جهانی "ایلگا" (سازمان بین‌المللی زنان و مردان همجنسگرا) امسال در مکزیک برگزار میشود. مقامات سیاسی و دولتی مکزیک از این امر ناخشنودند و سال گذشته تلاش کردند تا از برگزاری این کنفرانس در مکزیک جلوگیری کنند اما فشار گروههای همجنسگرا در کشورهای مختلف این تلاش دولتمردان مکزیک را خنثی کرد.

— بعد از سرنگونی رژیمهای حاکم بر اروپای شرقی، اینک همجنسگرایان در اغلب این کشورها شروع به شکل و سازماندهی خود کرده‌اند. طبق اخبار واصله تا بحال گروههایی در چکسلواکی، مجارستان، لهستان و شهرهای مختلف شوروی از جمله مسکو، لنینگراد و همچنین جمهوریهای بالتیک، بوجود آمده‌اند.

— بعد از تشکیل گروه هومان، علی‌رغم سکوت اکثریت گروههای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایرانی، اما گروهها و سازمانهای همجنسگرا از کشورهای مختلف جهان ضمن درج اطلاعیه تشکیل گروه و ارسال نامه‌های حمایتی به هومان، حمایت خود را از گروه هومان اعلام کرده‌اند. از میان این گروهها میتوان Shakti Khabari شاکتی خیر (انجمن همجنسگرایان جنوب آسیا) نام برد که در دو شماره اخیر خیرنامه خود مقالاتی در باره گروه هومان بچاپ رسانده است.

آگهی آشنائی



۱۰۱- پسری هستم ۲۴ ساله • علاقمند به موسیقی، رقص، داستانویسی، رانندگی، طبیعت کوهنوردی و بخصوص موسیقی ایرانی هستم • متولد هندوستان هستم، زبان فارسی میدانم و در حال حاضر ساکن آمریکا میباشم • مشتاق دوستی و مکاتبه با دوستان عزیز عضو گروه هومان میباشم • میتوانید هم به فارسی و هم به انگلیسی نامه بنویسید •

۱۰۲- پزشك هندی، ساکن بمبئی • علاقمند به آشنائی و مکاتبه با دوستان عزیز ایرانی به زبان انگلیسی هستم • شاید بتوانیم همدیگر را در سوئد ببینیم •

۱۰۳- اعضا گروه هومان، ما دو پسر جوان آلمانی ۲۶ و ۲۹ ساله هستیم • حدود ۶ سال است که با هم زندگی میکنیم و علاقمند به مکاتبه با اعضا گروه هومان بزبانهای انگلیسی، آلمانی و یا روسی هستیم •

۱۰۴- پسری هستم اهل انگلستان و مشتاق مکاتبه و آشنایی با اعضا گروه هومان میباشم • برای مکاتبه به انگلیسی نامه بنویسید • مشغول تحصیل بوده و به ورزش، موسیقی، کتاب، فیلم و عکاسی علاقمندم •

۱۰۵- پسری هستم ۲۲ ساله • اهل و ساکن شوروی و مشغول تحصیل در رشته معلمی هستم • علاقمند به مکاتبه با اعضا گروه هومان بزبان انگلیسی و یا روسی میباشم •

۱۰۶- مردی هستم ۵۵ ساله، مهندس و ساکن کشور فرانسه • علاقمند به مکاتبه با پسری جدی میباشم • شاید که در مسافرتها آینده بتوانیم با هم باشیم • نامه های خود را بزبانهای فرانسه، انگلیسی و یا اسپانیایی بنویسید •

برای درج آگهی در هومان

305791842
HANDELSBANKEN

— معادل ۵ دلار پول کشوری که در آن زندگی میکنید را به شماره حساب

واریز و فیش آنرا همراه با آگهی خود به آدرس :
HOMAN C/O RFSL
BOX 45090
10430 STOCKHOLM, SWEDEN

ارسال دارید • نام و آدرس کامل خود را در نامه قید کنید •

— هومان از درج آدرس، شماره تلفن و همچنین از چاپ عکس افراد آگهی دهنده اکیدا خودداری میکند •

برای پاسخ گفتن به آگهی آشنائی چاپ شده در هومان :

۱- نامه خود را در پاکتی گذاشته، در پاکت را بچسبانید • روی پاکت با مداد شماره آگهی را بنویسید • (خونا باشد) •

305791842 HANDELSBANKEN

۲- معادل ۵ دلار پول کشوری که در آن زندگی میکنید را به شماره حساب

واریز و فیش بانکی آنرا همراه با نامه سربسته خود در پاکت بزرگتری گذاشته به آدرس هومان ارسال دارید •

— نامه شما بلافاصله و بمحض دریافت به آدرس آگهی مربوطه ارسال خواهد شد •

"آرگو" گروهی تازه تاسیس برای دفاع از همجنسگرایان مسکو

"آرگو" گروهی است تازه تاسیس و سخنگویی آنرا ولادیسلاو اوتانو بعهده دارد، و تا بحال يك شماره از نشریه خود بنام "خطر" را منتشر کرده است. ولادیسلاو از جمله افرادی بود که در سال ۱۹۸۹ اولین روزنامه همجنسگرائی بنام Tema را در شوروی منتشر کردند، اما بعدها در بین افراد گروه اختلافاتی در مورد شیوه تاکتیکها بروز کرد و از هم جدا شدند.

"آرگو" گروهی است با ساختارهای دمکراتیک که قصد فعالیت در چارچوب قوانین شوروی را دارد، اما افرادی که حول Tema متشکل شده‌اند، در فعالیتهای خود بیشتر به شیوه‌های آنارشیستی متوسل میشوند.

هزینه اولین شماره روزنامه "خطر" را افراد داوطلب متقبل شده‌اند و روزنامه را در تیراژی با ۹۹۹ نسخه بچاپ رسانده و آنرا بصورت مجانی توزیع کرده‌اند. با وجود همین تیراژ کم اما نشریه بدست عده وسیعی رسید. گفته میشود که هر نسخه روزنامه را پانزده تا بیست نفر خوانده‌اند. آرگو این را از تعداد نامه‌هایی که بعد از آن دریافت داشته، نتیجه میگیرد. "آرگو" برای سازماندهی و گسترش کارها دست به يك تحقیق اجتماعی زده‌است. به این شکل که پرسشنامه‌ای با هشتاد سؤال برای هر نویسنده نامه ارسال داشته و از آنها خواسته که به سئوالات جواب دهند. این گروه قصد دارد که نتیجه این تحقیقات را پشتوانه‌ای برای فعالیت خود در راه تغییر قوانین ضد همجنسگرایی و بخصوص پاراگراف ۱۲۱ بکار گیرد. پاراگراف ۱۲۱ در قانون مجازات شوروی، همجنسگرایی را ممنوع اعلام میکند. موضوع جالب اینکه "آرگو" در انتخاب تاکتیک برای مبارزه، دقت زیادی بخرج میدهد. مثلا در رابطه با کنفرانس بین‌المللی حقوق بشر که قرار است بعد از تابستان امسال در شوروی برگزار شود: گروه مخالف تظاهرات در میدان سرخ مسکو میباشد. بلعکس "آرگو" تلاش میکند که شرکت‌کنندگان در کنفرانس چگونگی وضعیت همجنسگرایان شوروی را مطرح کرده، از دولت شوروی بخواهند تا قوانین خود را با توجه به حقوق بشر و رفع ستم از جمله رفع ستم جنسی بر علیه همجنسگرایان تنظیم کند. احتمالا گروه آرگو این تاکتیک خود را با توجه به ذهنیت توده‌ها که در نتیجه سالها تبلیغات منفی بر علیه همجنسگرائی، مسموم شده، اتخاذ کرده است.

دنباله همجنسگرائی

فقط و فقط درست کردن بچه باشد، که در این صورت همه افراد اجتماع بجرم انجام عمل غیر اخلاقی باید محکوم و مطرود شوند. علاوه بر آن کاربرد وسایل پیشگیری از بارداری بی مورد خواهد بود و کسی که سراغ آن را میگیرد، حتما قصد انجام يك عمل غیر اخلاقی دارد. و.....

همجنسگرایی به هیچ وجه بیماری و یا غیر اخلاقی نیست که باید معالجه شود. سرکوب همجنسگرایان در کشورهای دیکتاتور زده نشانه بی‌فرهنگی توده‌هاست، و همچنین تراژدی تلخ سرکوب انسانهای بی‌گناهی است که خود در شکل-گیری گرایشات جنسی خود تاثیری نداشته‌اند.

همجنس‌گرایی

کلمه Homosexualitè (همجنسگرایی) از ریشه لاتین "هو" یا "هومو" به معنی انسان گرفته شده که به یونانی معنی "مشابه" میدهد. هموسکسول یا همجنسگرا به کسی گفته میشود که تمایلات و گرایشات جنسی او روبرو به جنس موافق دارند و از آمیزش جنسی با جنس مخالف خود ارضا نمی‌شود. عکس کلمه Homosex کلمه هتروسکس (Heterosex) میباشد. کلمه هترو (Hetero) در یونانی بمعنای "یکی دیگر"، "از نوع یا تیپ دیگر" و همچنین بمعنای "جدا شده" میباشد. پس هتروسکسول کسی است که به جنس غیر موافق خود، به "تیپ دیگر" گرایش دارد.

در مورد زنان همجنسگرا، معمولاً کلمه لسبیسک (Lesbisk) بکار برده میشود. و رابطه جنسی بین دوزن را عشق لسبیسکی می‌نامند. این اصطلاح از آنجا گرفته شده که شاعره معروف یونانی "سافو" (۶۰۰ سال قبل از مسیح) در جزیره لسبوس (جزیره‌ای یونانی در نزدیکی ترکیه) می‌زیست. گفته میشود که اطرافیان این شاعره فقط زنان و دختران جوان بوده‌اند که او به آنها شعر و موسیقی می‌آموخت.

از آنجا که درجه و شدت گرایش افراد به جنس موافق و مخالف بسیار متفاوت میباشد، گفته میشود که مفهوم همجنسگرایی مفهومی صریح و روشن نیست. مثلاً ممکن است فردی ۴۰ درصد به جنس موافق و ۶۰ درصد به جنس مخالف خود گرایش داشته باشد و یا بلعکس، و همنطور مقدار درصد گرایشها بسیار متفاوت میباشد. افرادی که تمایلات جنسی آنها به هر دو جنس موافق و مخالف در حوالی مرز پنجاه درصد باشد، را بیسکسول (Bisexuell) مینامند. این افراد از آمیزش جنسی هم با زن و هم با مرد تقریباً به یکسان لذت می‌برند. گفته میشود که بین ۵ تا ۱۰ درصد افراد هر اجتماعی همجنسگرای کامل هستند.

دلایل و علل اینکه چرا تمایلات جنسی يك فرد روبرو به جنس موافق گرایش می‌یابند، نامعلومند. تحقیقاتی در مورد ارثی بودن و همچنین تحقیقات هورمونی هم صورت گرفته اما در این عرصه اختلافی بین همجنسگرایان و غیرهمجنسگرایان مشاهده نشده است. به همین خاطر نظریه‌ای که میگوید میتوان همجنسگرایان را به کمک تزریق هورمونی مدالجه کرد، ساده و غیرعلمی است. نظریه‌ای هم میگوید که مفاهیم زن یا مرده با کودک زاده نمی‌شوند، بلکه در دوران کودکی او شکل می‌گیرند و مفهوم خود را می‌یابند. و از آنجا که گرایشات جنسی بین انسانها يك عامل بیولوژیکی است، پس وراثتی می‌باشد، اما در رابطه با همجنسگرایی این عوامل بیولوژیکی بشکل بسیار پیچیده‌ای عمل میکنند و آن مکانیسمهای باز هم پیچیده روانی، و ۰۰۰۰ که در دوران کودکی (احتمالاً در دوره نوزادی) در شکل‌گیری مفاهیم زن یا مرد نزد کودک دخالت میکنند (و روشن کردن این مفاهیم هم غیرممکن است)، شناخت کارکرد و ساختار بسیار پیچیده عوامل بیولوژیکی در همجنسگرایان را دشوار و تقریباً ناممکن می‌سازد.

خیلی‌ها به غلط براین باورند که مردان همجنسگرا حالات و رفتار زنان را دارند و زنان همجنسگرا بلعکس. اما این برداشت بسیار ذهنی و بدور از واقعیت میباشد. بعضی‌ها هم همجنسگرایی را تحت عنوان پدیده بیولوژیکی غیر طبیعی که در خدمت تولید مثل و ادامه نسل بشر نیست، را محکوم و مطرود میدانند. این قضاوت زمانی اعتبار خواهد داشت که پذیرفته شود که آمیزش جنسی بین دو جنس مخالف تنها زمانی از نظر اخلاقی پذیرفتنی و قابل دفاع است که هدف

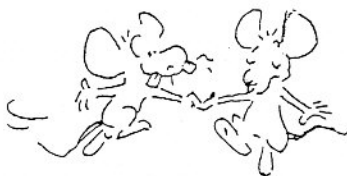
استمنا کردن بمعنای ارضای خویشتن است و معمولا با دست انجام میگیرد.

MANUSTUPRUM (استمنا) يك كلمه لاتین است. MANUS به معنای دست و کلمه STUPRUM به معنای زنا میباشد، که در فارسی آنرا زنا یا خود و یا عشق ورزی با خود میگویند. استمنا کردن حتی در بین بعضی از انواع حیوانات و همینطور کودکان دیده میشود. میتوان گفت که اکثریت مطلق پسران و دختران در دوران بلوغ دست به استمنا میزنند. حتی افراد متاهل (چه زن و چه مرد) هم هرازگاهی دست به استمنا میزنند بدون اینکه زندگی جنسی آنان دچار اختلالی شود. خیلیها در يك هماغوشی برای رسیدن به اوج شهوت و لذت، استمنا کردن را بر عمل دخول ترجیح میدهند، چرا که این کار برای آنها لذت بیشتری به همراه دارد. استمنا کردن معمولا در تنهایی صورت میگیرد ولی نه همیشه. بسیاری از زوجها از طریق استمنا کردن برای طرف مقابل، همدیگر را ارضا میکنند. این عمل بیشتر در بین زوجهای جوان دیده میشود. کلمه ONANI (جلق زدن) از داستانی در انجیل گرفته شده است، به این صورت که اوانان از فرمان پدر مبنی بر همبستر شدن با بیوه برادر خود سرپیچی کرد و در عوض "آب خود را بر زمین ریخت". گناه اوانان همانا بیرون کشیدن آلت خود از زن برادر به هنگامی که او (اوانان) به اوج لذت جنسی رسیده بوه و از آنجا بود که جلق زدن یا استمنا کردن به عنوان يك گناه بحساب آمد. اینکه امروز هم هنوز عدهای با توجه به باورهای ذهنی مذهبی خود و قضاوتهای جامعه، بعد از جلق زدن احساس گناه میکنند را در همین رابطه میتوان توضیح داد. همینطور این برداشت غلط که گویا استمنا کردن مضر است و باعث بیماریهای فیزیکی و روانی میگردد.

برگرفته از فرهنگ پزشکی جلد چهارم

مُلاَمی دیگر در حق زنان

يك محقق ژاپنی در مورد توالت رفتن افراد تحقیقات جالبی بعمل آورده که بد نیست آنرا در اینجا نقل کنیم. نتیجه تحقیقات این محقق نشان میدهد که زنان ژاپنی روزانه ۱۲/۵ متر کاغذ توالت استفاده میکنند، یعنی حدود سه برابر مردان که روزانه حدود ۲/۵ متر کاغذ توالت استفاده میکنند. نتیجه دیگر اینکه موسیقی آرام به مشکل شکم مساعدت میکند. مثلا موسیقی باخ یبوست را از بین میبرد و موسیقی بولرو برای اسهال خوب است. محقق ژاپنی هیدو نیشیوکا نتیجه تحقیقات خود را تحت نام "میتوان از يك توالت به جهان نگریست" در توکیو پایتخت ژاپن ارائه داد. این محقق نتیجه میگیرد که مرد ژاپنی برای ادرار بطور متوسط ۳۱/۷ ثانیه وقت لازم دارد، در حالی که زن ژاپنی حداقل به يك دقیقه و ۳۳ ثانیه وقت نیاز دارد. با توجه به این نتایج این محقق اعلام میکند که حداقل سه برابر توالتهای مردانه، باید توالت زنانه در شهر ساخته شود.



ویروس " ه، ای، و " و بیماری ایدز

"ه، ای، و" حروف اول کلمات Humant Immun brist Virus (ویروس کمبود مصونیت انسانی) میباشد. این ویروس به بخشی از گلبولهای سفید خون حمله ور شده و سیستم دفاعی بدن را در برابر بیماریها و عفونتها درهم میریزد.

در مرحله‌ای که سیستم دفاعی بدن (مصونیت) بسیار ضعیف گردیده و بدن مورد حمله بیماریهای عفونی خطرناک قرار میگیرد، این بیماری ایدز خوانده میشود.

طرق سرایت "ه، ای، و"

— از طریق آمیزش جنسی

— از راه خون و مواد تولید شده از خون

— از مادر به کودک در دوران بارداری یا در ارتباط با زایمان

با توجه به طرق سرایت محدود ذکر شده امکان جلوگیری از سرایت و پخش این بیماری وجود دارد.

شیوه جلوگیری از سرایت ویروس "ه، ای، و"

از آنجایی که تمام کیسه‌های خون از پائیز ۱۹۸۵ در کشور سوئد و همینطور اکثر کشورهای اروپای غربی آزمایش میشوند از سرایت این ویروس از طریق خون و مواد حاصله از آن جلوگیری گردیده است. این ویروس تاکنون بیشتر از راه آمیزش جنسی به مبتلایان سرایت کرده است. و سرایت از طریق آمیزش جنسی به سه طریق زیر است:

— نزدیکی به شکل مقعدی یعنی دخول آلت مرد در مقعد.

— نزدیکی بشکل مهبل یعنی دخول آلت مرد در مهبل

— نزدیکی دهانی یعنی تماس دهان با دستگاه تناسلی.

مسئله احتمال ابتلا ویروس مذکور هنگام آمیزش جنسی بطور قاطع نمی‌توان اظهار نظر کرد. با توجه به تجربیات و تحقیقات چند ساله در این مورد، محققین و پزشکان متخصص میدانند که آمیزش از راه مقعد خطر بیشتری را در بر دارد. از آنجا که قسمت انتهایی روده بزرگ سرشار از مویرگ بوده و به آسانی شکاف بر میدارد. در مورد آمیزش جنسی از راه دهان، چنانچه آب منی یا ترشحات مهبل وارد دهان نشود، گمان میرود خطر کمتری به همراه داشته باشد.

سرایت از راه بوسیدن

چنانچه در دهان زخم و یا خونریزی وجود داشته باشد، بوسه‌های عمیق (زبان در دهان) میتواند خطر سرایت دربر

داشته باشد ولی بوسه‌های معمولی و حتی بوسه‌های عمیق در صورت عدم وجود زخم و یا خونریزی خطری برای سرایت

ویروس "ه، ای، و" ندارد. پزشکان و متخصصان جنسی بهترین و مطمئن‌ترین وسیله جلوگیری از سرایت این ویروس

را استفاده از کاپوت میدانند. کاپوت را برای جلوگیری از تماس مخاطی درمواقع نزدیکی (تماس جنسی) باید استفاده کرد.

آمار ثبت شده تعداد مبتلایان به ویروس "های،و" در سوئد در سه ماهه آخر ۱۹۹۰. این آمار از طرف

سازمان دولتی میکروب‌شناسی سوئد Statens bakteriologiska laboratoriet--SBL

ثبت و گزارش داده شده است .

تعداد مردان	تعداد زنان	جمع کل	طرق سرایت
۲۵	—	۲۵	تماس جنسی بین مردان
۵	۱	۶	سرایت از طریق مواد مخدر (سرنگد)
۲۸	۲۰	۴۸	تماس جنسی بین مرد و زن (سرایت از مرد به زن یا زن به مرد)
۱	—	۱	مادر به نوزاد
۱	—	۱	سرایت از طرق نامعلوم
۶۰	۲۱	۸۱	

تعداد کل مبتلایان به ویروس "های،و" در سوئد تا تاریخ ۱۹۹۰/۱۲/۳۱ میلادی

تعداد مردان	تعداد زنان	جمع کل	طرق سرایت
۱۲۹۶	—	۱۲۹۶	تماس جنسی بین مردان
۴۱۲	۱۶۳	۵۷۵	از طریق مواد مخدر (سرنگد)
۱۴۸	۴۲	۱۹۰	سرایت از خون و مواد تولیدی از آن
۳۱۶	۲۴۸	۵۶۴	تماس جنسی بین زن و مرد
۵	۶	۱۱	سرایت از مادر به نوزاد
۱۶	۳	۱۹	طرق ناشناخته
۲۱۹۳	۴۶۲	۲۶۵۵	جمع کل

تهیه کننده : آرمان ، سخنگوی گروه هومان

چنانچه سئوالاتی در مورد ویروس "ه‌ای،و" و بیماری ایدز داشته باشید میتوانید با سازمانهای زیر تماس بگیرید:

بنیاد کشتی نوح- صلیب سرخ

Stiftelsen Noaks Ark--Röda Korset

سازمانی که مبتلایان به "ه‌ای،و" و ایدز، و بستگان آنها و افرادی که احساس نگرانی میکنند را راهنمایی و کمک میکند

شماره تلفن کشیک ایدز : ۰۲۰-۷۸۴۴۴۰

شماره تلفن ب (نوشته‌ای) برای ناشنویان : ۰۸-۲۴۲۹۰۸

شماره کشیک ایدز برای کسانی که به فارسی و یا ارمنی صحبت میکنند : ۰۸-۲۴۶۷۴۲ روزهای دوشنبه بین

ساعات ۱۷ الی ۲۱ شب

گروه مثبت Positiva Gruppen

سازمانی برای مردان همجنسگرا و دوجنسی که به ویروس "ه‌ای،و" مبتلا هستند شماره تلفن :

۰۸-۸۴۹۳۴۷ چهارشنبه‌ها بین ساعات ۱۶ الی ۲۱ بعد از ظهر

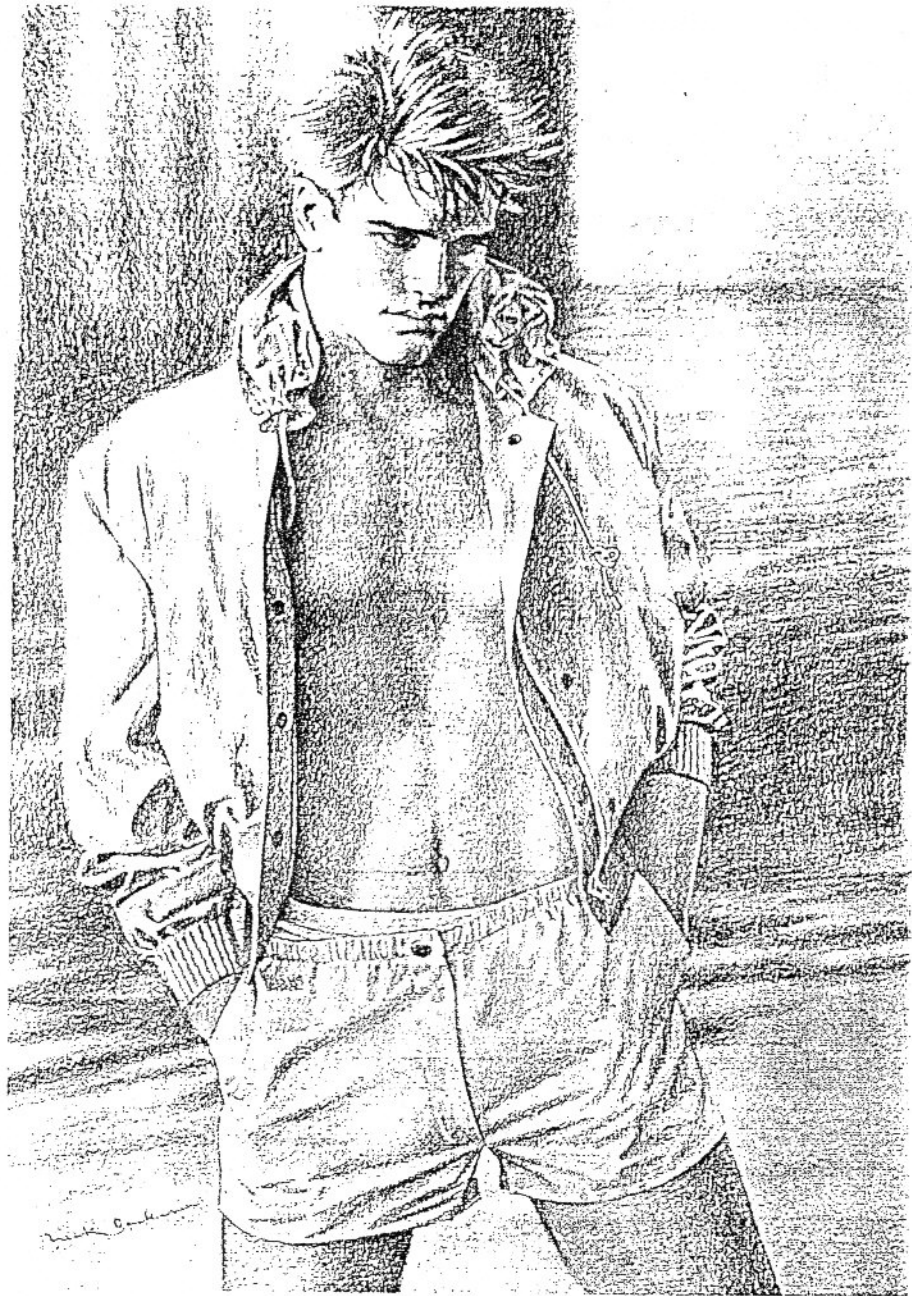
اتحادیه سراسری برابری جنسی RFSL

شماره تلفن : ۰۸-۷۳۶۰۲۱۰ دوشنبه‌ها بین ۹ تا ۲۱، سه‌شنبه‌ها تا جمعه ۹ تا ۱۶

شماره کشیک ویژه جوانان : ۰۲۰-۷۸۳۳۶۶

اتحادیه سراسری اطلاعات جنسی RFSU

شماره تلفن : ۰۸-۶۶۸۰۹۴۰ دوشنبه‌ها تا پنجشنبه‌ها بین ۱۱ تا ۱۲



David Laundy